



احمدشیری

## تحلیلی بر روند زندانی شدن و عفو نماینده همدان

# یک اقدام

## و این همه توان؟!

خیر خواهان دستگاه قوه قضاییه نبود و در پایان کار، از زبان همه، این جمله کوتاه گذشت که: ای کاش به این کشاکش، زودتر و بهتر پایان داده می شد!

درخواست عفو نماینده همدان از پیشگاه رهبری نظام، درست است که گره کور یک مشکل بزرگ و بسیار پیچیده کشور را گشود و نفس هایی را که از مدت ها پیش، در سینه ها محبوس شده بود، آزاد گردانید و این، به جای خودش، در خور شادمانی است که: "رسیده بود بلایی، ولی به خیر گذشت" ولی از سوی دیگر، پیامدهای قانونی کار، از چند نظر، شایان گفتگو و چالش است و نمی توان از سر آن گذشت.

نخستین برآیند ناخوشایند این رویداد، "بدعت" ناسزاواری بود که بار دیگر، از سوی گردانندگان قوه قضاییه، در تاریخ قضایی کشور، به ثبت رسید. عفو محکومان زندانی، کاری است که در دستگاه قضایی کشور پیشینه بی طولانی دارد، تقریباً به قدمت تاریخ پیدایش این دستگاه. چه در گذشته و چه اکنون، همواره متداول بوده است و هست که محکومان زندانی، از مقامات مسؤول قضایی، درخواست عفو محکومیت خودشان را می کرده اند و می کنند و این درخواست، پس از گذراندن تشریفات ویژه قانونی و پذیرفته شدن، برای تصویب نهایی به نظر عالی ترین مقام قانونی کشور می رسیده است و می رسد و موافقت و امضاء آن مقام، به عفو محکوم علیه، در حد تصویب شده، می انجامیده است و می انجامد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز، موضوع عفو زندانیان، پیش بینی شده است. بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در مقام تبیین وظایف و اختیارات رهبر "می گوید: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه"

باجازه همین بخش از اصل ۱۱۰ قانون اساسی، برای درخواست عفو زندانیان، مقررات و تشریفات وضع شده است به نام آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی"

برابر ماده ۱- آیین نامه یاد شده، "کمیسیون عفو و بخشودگی از پنج نفر اشخاص آشنا به احکام شرع انور و قانون و تشکیلات قوه قضاییه، تشکیل می گردد..."

طبق ماده ۱ آیین نامه: "کمیسیون عفو و بخشودگی، در حد نیاز و تشخیص، در مراکز استان ها و شهرستان ها، هیاتی مرکب از

سودمند بروید، سرانجام یک "خاربوته" زهرناک نیز خواهد روید که آن را، گلی نباشد برای بوییدن و میوه بی نباشد برای چشیدن، اما خارهای زهرناکی خواهد بود برای خلیدن و دست و دل گزیدن!

از همین رو، هر کدام از دوستانان دستگاه قضاییه، از هر راهی که می توانست و با هر لحن که می دانست، گردانندگان دستگاه را، هشدار و از آنچه می کنند، پرهیز داد اما کار ساز نشد. اینک، که آن همه اندرز و "دلالت" کاری از پیش نبرده، آن خاربوته مسموم، سران خاک برآورده و از نیش خارش، اندوه و ملالت برجای گذاشته است و می گذارد و آشکارا می بینیم که دل هیچ کس، جز دشمنان این بوم و برار، شاد و خرم نمی گرداند و چه خوب گفته اند:

**"هر آنکس تند راند، باز ماند!"**

سرگذشت نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی و آنچه از دست و زبان گردانندگان دستگاه قضاییه، در این باره گذشت، اگر در گمان کسانی، پایانی خوش بود برای آغازی بد، ولی برای کسانی که از دور و نزدیک، کار و بار این دستگاه را می پایند و آزادی و سربلندی را می خواهند، به هیچ روی، خوشایند و امیدوار کننده نبود و در خوش بینانه ترین حالت، شعری بود که گردانندگان قوه قضاییه، آن را سرودند و در "قافیه اش" فروماندند و به فرجام نیز، آنچه پیش آمد، هر چند که به هر روی، گر از کار فرو بسته همه کسانی گشود که از حل معما باز مانده بودند، و به جای خود، مایه شادمانی بود، ولی در نفس عمل، تبعاتی بر جای گذاشت که مورد نظر کارشناسان فن و

ماجرای محکومیت و زندانی شدن یک نماینده مجلس و چگونگی آزاد شدن او، از زندان و هیجان و هیاهویی که پیش و پس از این حادثه برپا شده بود، دسته بندی ها و حشر کشی های طرفین مخالف یا موافق این قضیه و تبعات مثبت و منفی حاصله از کل رویداد، بی گمان، یکی از مهم ترین و تندترین حوادثی بود که روزها و شب های دراز، اذهان مردم کشور را، از وضع و شریف و صفحات و فرستنده های رسانه های گروهی کتبی و شفاهی را، از داخلی و خارجی، به خود مشغول داشته بود و با آنکه نزدیک به یک ماه از پایان کارها می گذرد، هنوز هم، داستان آن "نقل محافل" و "نقل مجالس" همگان، از "خواص" و "عوام" است!

در یک نگاه، تمام قضیه، یک امر ساده، از امور جاری قوه قضاییه و حادثه ئی معمولی، در شمار حوادث بی شمار کشور، به شمار می آید ولی هنگامی که با ژرف نگری به "ته و تو"ی موضوع توجه و به بازتاب های آن نگرسته شود، مسایل و ابعاد تازه بی پیدار می گردد که در خور بازنگری بیشتری است.

از همان هنگام که قوه قضاییه، با سازمان دهی یک گروه اختصاصی برای تعقیب جرایم و پس از آن، "بگیر بگیر" افراد، از صنوف مختلف اجتماعی به ویژه روزنامه نگاران، سرشناسان ملی-مذهبی، وکلای مجلس شورای اسلامی و ... را آغازید، صاحبان نظر، پیش بینی می کردند که این دور "گرفت و گیر"، در نقطه و مقطعی زمانی، قوه قضاییه را، با چالش و "بن بست" روبه رو خواهد گردانید و روزی خواهد رسید که از این "بدر" های پاشیده شده بر "کشتزار عدالت"، اگر صد نهال

و بخشودگی دارای اعتبار اسناد قانونی قوه قضاییه بود، ضوابط و مقررات آن نیز، از طرف مقامات قضایی کشور، با دقت و وسواس کامل اجرا می شد و تاجایی که سابقه نشان می دهد، این حرمت و قداست آیین نامه، تا دهه نخستین حکومت جمهوری اسلامی نیز برقرار و برای تمام مقامات عالی رتبه دستگاه قضایی، معتبر و لازم الاتباع بود.

به یاد دارم به هنگامی که شادروان دکتر بهشتی رییس شورای عالی قضایی بود، مردی که یک فرزندش را در جنگ عراق با ایران از دست داده بود، درخواست عفو کرده و تقاضایش را به دکتر بهشتی تقدیم داشته بود.

از شورای عالی قضایی، نامه یی به امضای شخص دکتر بهشتی به اداره سجل کیفری و عفو و بخشودگی نوشته شد که نام آن شخص در فهرست درخواست کنندگان عفو نوشته شود. پرونده محکوم زندانی را بررسی کردیم، درخواستش با مفاد آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مطابقت نداشت و در نتیجه نوشتن نام او، در سیاهه متقاضیان عفو مقدور نبود. چگونگی را به شورای عالی قضایی نوشتیم، بار دیگر تأکید شد که حتماً نام آن مرد، به حرمت خون فرزند از دست رفته اش، در فهرست عفو قید شود. اما باز هم پاسخ اداره سجل کیفری و عفو و بخشودگی، همان بود که قبلاً داده شده بود.

موضوع اصرار دکتر بهشتی براینکه نام آن مرد برخلاف ضوابط آیین نامه در فهرست گنجانیده شود و ابرام اداره سجل کیفری که کاری بر خلاف آیین نامه انجام ندهد، موجب

کدورت و نقار دکتر بهشتی گردید و به اصطلاح "کار، بیخ پیدا کرد!"

پس از مقدمه یی طولانی که مجال بازگویی آن در این مقال نیست، سرانجام به پیشنهاد دکتر بهشتی، یک روز، رییس اداره سجل کیفری و من که معاون ایشان بودم، به دیدن دکتر بهشتی رفتیم تا درباره آنچه پیش آمده بود، از نزدیک گفتگو کنیم. مذاکرات ما، نزدیک به دو ساعت به طول انجامید و در همه مواقع، محور سخن و مخاطب اصلی دکتر بهشتی، من بودم زیرا که گردش کار

۱- در اجرای بندشش (۱) از اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت های زیر ... کمیسیون عفو و بخشودگی تحت نظر و به دعوت رییس اداره سجل کیفری و عفو و بخشودگی، با شرکت یک قاضی آگاه بر موازین کیفری اسلام، به انتخاب رییس دیوان عالی کشور، مدیرکل قضایی وزارت دادگستری و دادستان تهران یا



لقمانیان آزاد شده است. هنگام ورود به مجلس حلقه گلی به گردن او انداختند و او این حلقه گل را به گروهی اهدا کرد. این پایان یک کشمکش بود؟ کسی یا جریانی برنده شد؟

نماینده او و دادستان نیروهای مسلح یا نماینده او (در مواردی که عفو و بخشودگی مربوط به پرونده های نیروهای مسلح باشد) و رییس یا مدیرکل اداره حقوقی و رییس یا مدیرکل سازمان امور زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و رییس انجمن حمایت از زندانیان، تشکیل می شود و جلسات این کمیسیون با حضور حداقل پنج عضو رسمیت خواهد داشت"

به همان نسبت که متن آیین نامه کمیسیون عفو

رییس دادگستری، قاضی تحقیق زندان و رییس زندان را، برای بررسی متقاضیان عفو و اعلام نظر به کمیسیون، تشکیل خواهد داد. ریاست هیأت بارییس دادگستری خواهد بود. تقاضاهای رسیده به کمیسیون عفو، از ناحیه محکومین و خانواده آنان، جهت بررسی و اعلام نظر به کمیسیون عفو، به روسای هیأت های مذکور در این ماده، ارسال خواهد شد.

در ماده ۵ آیین نامه آمده است: "ریاست قوه قضاییه، در صورت تأیید مصوبات کمیسیون عفو، فهرست اسامی مورد تصویب کمیسیون را، حداقل ۱۵ روز قبل از یکی از مناسبت های مقرر، به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و نتیجه را، جهت اجراء به ریاست کمیسیون عفو اعلام می نماید"

طبق ماده ۸ آیین نامه: "مناسبت های عفو و بخشودگی به شرح زیر می باشد: ۱- مبعث حضرت رسول اکرم (ص) ۲- ولادت حضرت رسول اکرم (ص) ۳- ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۴- ولادت حضرت امام حسین (ع) ۵- ولادت حضرت قائم (عج) ۶- عید سعید فطر ۷- عید سعید قربان ۸- عید سعید غدیر ۹- سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۱۰- سالروز جمهوری اسلامی ۱۱- عید نوروز

تبصره- در صورت لزوم، ریاست قوه قضاییه، با کسب نظر از مقام معظم رهبری، می توانند دستور تشکیل کمیسیون را، به مناسبت های دیگر، به رییس کمیسیون بدهند."

آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی، در گذشته و حتی در دوران حکومت جمهوری اسلامی، همواره به عنوان یک سند معتبر قانونی، مورد عمل و احترام بود و متن آن، نخست در روزنامه رسمی کشور، نشر می گردید، سپس در مجموعه قوانین کیفری، به چاپ می رسید تا در دسترس همگان باشد.

در ماده یک آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب جلسه ۸۳ مورخه ۱۳۵۹/۱۱/۶ شورای عالی قضایی منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۵۰۹- مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۱۰ می خوانیم: "ماده

چنان گذشته بود که سنگینی بار آن اتفاق، به گردن من افتاده بود و ناگزیر، بایسته بود که من، از موضع قانونی و فکری خودم، سخن بگویم یا دفاع کنم.

در پایان نشست، دکتر بهشتی، ضمن پذیرفتن ایرادهای قانونی ما و گذشتن از پافشاری خودش برای عفو آن زندانی، رشته سخن را با این عبارت کوتاه کرد: **"شما قضات، یک چارچوب هابی دارید که از آنها خارج نمی شوید و هرکس بخواهد با شما کار کند، باید در چارچوب شما جای بگیرد..."**

از آن روز به بعد، دکتر بهشتی، نه تنها در مقررات مربوط به آیین نامه عفو و بخشودگی، با ما، چون و چرایی نمی کرد بلکه همیشه به پیشنهادات اداره سجل کیفری، دلبستگی فراوان نشان می داد و مشکلات کارها را، علاقه مندانه برطرف می کرد و این روند، پس از درگذشت آن روانشاد نیز بر پای بود و گمان نمی برم که در بیست و اند سال گذشته، اداره سجل کیفری و عفو و بخشودگی، از لحاظ نظم و نسق و دقت و جدیت در کارها و نگهداشت پایگاه قانونی خود، دورانی بهتر از دوره ده ساله نخست حکومت اسلامی را، دیده باشد.

اما اینک و مخصوصاً از حدود ده سال پیش، چنان می نماید که کمیسیون عفو و بخشودگی و آیین نامه آن، جلوه و شکوه گذشته را از دست داده و اگر اعتباری برای آن مانده باشد، منحصر به پرونده های مربوط به افراد **"خرده پا"** و کم اهمیت است.

گویا اکنون، در دستگاه قضاییه، مرسوم شده است که در مورد پرونده های مهم و محکومان **"دانه درشت"**، رییس قوه قضاییه، رأساً و بدون استشاره از کمیسیون عفو و بخشودگی و یا مراعات ضوابط مقرر در آیین نامه مربوط، اقدام می کند.

نخستین بار که گردانندگان قوه قضاییه، کمیسیون عفو و بخشودگی و آیین نامه آن را، دور زدند و خارج از ضوابط کمیسیون و آیین نامه، در صدد پیشنهاد عفو کسانی برآمدند، در دوره ریاست پیشین قوه قضاییه بود و در شمار کسان **"انگشت نما"** که از موهبت اختیارات خاصه **"رییس قوه قضاییه"** استفاده کردند، شهردار سابق تهران بود و در دوره کنونی، نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی، به این فیض بزرگ رسیده است، اما در مورد آنهای دیگر، چون کارشان ویژگی کار نفریاد شده را نداشته، چندان سر و صدایی هم، برپا نگردیده است.

نکته مشترکی که در پیشنهاد عفو شهردار پیشین تهران و نماینده کنونی همدان وجود دارد و طبعاً سؤال برانگیز و شگفتی آور است، این است که در هر دو مورد، رییسان قوه قضاییه، شخصاً و بی آنکه تشریفات آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی را طی کرده باشند و مخصوصاً بدون دریافت تقاضای عفو از محکوم زندانی، حتی خارج از مواعد مقرر در آیین نامه برای پیشنهاد عفو، دست به کار شده و عفو زندانی را، از پیشگاه رهبری انقلاب درخواست کرده اند که در هر دو مورد نیز، با درخواست آنان موافقت شده است.

مطلب قابل بحث این است که قبول پیشنهاد عفو زندانیان از طرف رهبر انقلاب و موافقت با آن، امری است که به اختیارات قانونی ایشان مربوط است و چون برابر قانون اساسی، یکی از اختیارات رهبری، **"حل معضلات نظام..."** است، می توان گفت که موارد عفو زندانیان خاص نیز، به نوعی، از مقوله حل معضلات نظام به شمار آمده است یا می آید، و اگر چه قانون اساسی، همین حل معضلات نظام را نیز، موقوف به طرح موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام کرده است. ولی چون اصل مسأله حل معضلات و عفو یا تخفیف مجازات محکومین، علی الاطلاق، از اختیارات رهبری است، در این صورت هم، صرف تصمیم گیری ایشان، (صرف نظر از مقدمات و تشریفات کار) از روح اصول قانون اساسی خارج نیست، همچنان که رهبری می تواند، با صدور یک فرمان، شمار ویژه ای از محکومان زندانی را، به هرگونه که صلاح باشد، مورد عفو یا تخفیف مجازات قرار دهد.

اما در این جا، سخن از شخص معین و موردی مشخص است و این که آیا رییس قوه قضاییه، اختیار آن را دارد که به میل و تشخیص خود، برای هر کدام از محکومان زندانی که مورد نظرش باشد، از مقام رهبری درخواست عفو یا تخفیف مجازات کند، و اگر پاسخ **"آری"** است، آیا می تواند این کار را بکند بدون اجراء ضوابط و مقررات قانونی، یعنی طرح موضوع در کمیسیون عفو و بخشودگی و تصویب عفو در آن کمیسیون؟ و اگر باز هم پاسخ **"آری"** است، آیا رییس قوه قضاییه می تواند اراده خودش را، جانشین اراده محکوم زندانی کند و به جای او، یا خانواده اش درخواست عفو کند؟ مسلماً پاسخ این پرسش **"نه"** است هر چند که پاسخ پرسش های پیشین نیز **"آری"** نیست!

گفته اند **"احترام امامزاده، با متولی آنست آیا کاری که رییس قوه قضاییه، در مورد عفو نماینده**

همدان کرده، بی حرمتی به امامزاده بی نیست که خود ایشان تولیت آن را برعهده دارد؟ باید توجه کنیم که آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی و خود کمیسیون، به تنهایی مورد نظر نیست که آن هر دو، از توابع دستگاه قضاییه است، بلکه چون آیین نامه و کمیسیون یاد شده هر دو، بر پایه بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی فراهم آمده است، در نتیجه، بی اعتنایی به آیین نامه و کمیسیون عفو و بخشودگی، به طور ضمنی، تخلف و سرپیچی از اصل ۱۱۰ قانون اساسی است و برای رییس قوه قضاییه پسندیده نیست که این گونه قانون اساسی و توابع آن را، نادیده بگیرد!

اگر به ما پاسخ داده شود که رییس قوه قضاییه، با توجه به ضوابط و با گذراندن تشریفات قانونی مربوط یعنی طرح موضوع در کمیسیون عفو و بخشودگی و تصویب آن کمیسیون، برای نماینده همدان درخواست عفو کرده است، پاسخ این است که چنین مطلبی، مطلقاً از نامه رییس قوه قضاییه به مقام رهبری دریافت نمی شود. اصل نامه رییس قوه قضاییه را می خوانیم:

**"محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه الوارف).**

**با سلام و آرزوی طول عمر حضرت تعالی، عرض تبریک و تهنیت به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه (س) از آنجا که ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، به صورت شفاهی و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در نامه کتبی (کذافی الاصل) به این جانب، نگرانی خود را در خصوص ادامه بازداشت یکی از نمایندگان محترم بیان کرده و از این جانب، تقاضای مساعدت در حل مشکل را نموده اند، لذا ضمن تأکید بر ضرورت توجه به استحکام آراء و تصمیمات قانونی دستگاه قضایی و قضات شریف و به منظور حفظ مصالح نظام مقدس جمهوری اسلامی، و در اجراء و به استناد بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از محضر حضرت مستطاب عالی، استدعا دارد به مناسبت این روز فرخنده، با عفو آقای حسین لقمانیان که به ۱۰ ماه حبس قطعی محکوم شده است، موافقت فرمایید.**

**والامر الیکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته**

**سید محمود هاشمی شاهرودی**

**رییس قوه قضاییه ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ (۲)**

چنانکه از مفاد نامه رییس قوه قضاییه بر می آید، ایشان صرفاً به خاطر درخواست **"شفاهی"**



بی فرهنگی ای که از هر دسته یا سازمان این کشور سربرزند، دودش به چشم همین ملت ایران می رود و گناهش را، به پای این ملت می نویسند و دست آخر، این ملت ایران است که در انظار مردم جهان، سرشکسته و منفعل می گردد:

### گرچه تیراز کمان همی گذرد از کماندار بیدن، اهل خرد

به راستی، چرا چنین است؟ چرا دستگاه قضاییه کشور، پیش از آنکه کار از کار بگذرد و پیش از آنکه همه فرصت ها از کف برود، از مجاری قانونی و مجاز و با استفاده از راه کارهای پیش بینی شده در قوانین موضوعه، مجالی سرراه نماینده همدان نگذاشت تا او، از مسیری درست و عاقلانه و قانونی بگذرد و کار به آنجا نکشد که گریه را که می شد با دست گشود، با دندان هم گشوده نشود و به حکم آنکه **آخر الدواء الکی**، شتابکارانه و برخلاف مصرحات و مقررات قانونی، از اعتبار و شأن مقام رهبری، هزینه کرده و درخواست عفو را به پیشگاه آن مقام عرضه نماید که هر چند تیرش به هدف اجابت اصابت کند و موقتاً از مخمصه و تله بی که در آن گیر افتاده است، وارهد ولی دستگاه قضاییه، به قدر یک پول سیاه هم، از تمام جریان منتفع نشود که هیچ، حرمت و عزتش نیز، نزد افکار عمومی، بیش از پیش، مخدوش و منکوب گردد؟ با همه این احوال، چه خوب است که گردانندگان قوه قضاییه، این بار، به خود آیند و از ماجرای ناخوشایندی که پیش آمد، به درستی پند گیرند و به مصداق آنکه **هر شکستی مقدمه یک پیروزی است** بکوشند که از این پس، گردش کارشان را چنان تنظیم کنند که زیان های گذشته را جبران کنند و در آینده، گام های سنجیده و هوشمندانه بردارند و در کارهاشان، منطق و بردباری را، بیشتر ملحوظ بدارند و اگر احیاناً در پاره بی موارد و مواقع، برخی از گردانندگان دستگاه، دستخوش تنگ نظری یا لایابالی گری شده اند، آن دیدگاه ها را، رهاکنند و به یاد بسپارند که **زمانه، زرگر و نقاد هوشیاری است** و اگر از آنچه گذشته است، عبرتی نگیرند و پندی نیاموزند، کسی مسؤول سکندری خوردن های زیانبار این دستگاه، در آینده ئی نه چندان دور، نخواهد بود.

### هر که نامخت از گذشت روزگار نیز ناموزد هیچ آموزگار

\*\*\*

پی نوشت ها:

۱. بند ۱۱ اصل ۱۱۰ اصلاحی قانون اساسی
۲. روزنامه نوروز شماره ۲۳۴-۲۶/۱۰/۱۳۸۰

واقعاً در این گپرو دار، کی برد، کی باخت و **هزینه** و تاوان هنگفت بازی را، کی پرداخت؟ قوه قضاییه که با آن همه طمطراق و سرو صدا و کبابه کشی نماینده مجلس را به زندان فرستاد؟ مجلس شورای اسلامی که نمایندگانش، جانانه و با همه توانی که داشتند، ایستادگی و حمیت نشان دادند و از همکارشان حمایت کردند؟ رییس مجلس که به عنوان اعتراض، صحن جلسه علنی مجلس را، ترک گفت؟ نماینده همدان که در هیأت یک محکوم عادی، به زندان رفت و با **هیبت** یک **قهرمان ملی** با حلقه گل به گردن، از زندان بیرون آمد و از میان دالان گل گذشت، تا به مسند خودش در مجلس شورای اسلامی رسید و یا ...؟! اگر از دیده تحقیق و انصاف به موضوع بنگریم، این بازی، اصلاً **برنده** بی نداشت، بلکه

## گویا اکنون در دستگاه قضاییه

### مرسوم شده است که در مورد

### پرونده های مهم و محکومان

### دانه درشت، رییس قوه قضاییه،

### بدون استشاره از کمیسیون عفو و

### بخشودگی، اقدام می کند

هر که، در هر موضعی که قرار گرفت، **بازنده** بود. زیرا که ما، در یک **مجمع الجزایر** مرکب از چند جزیره پراکنده، به سر نمی بریم که امور هر جزیره و مصالح و مضار هر یک از آنها، مربوط به خودش باشد و به دیگران سرایت نکند، بلکه همگی، در یک واحد جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خاص زندگی می کنیم که نامش **ایران**، **ملت ایران**، **قهرنگ ایران** و ... است و مردم جهان، هنگامی که از اجزاء این واحد بزرگ نام می برند، همواره، هر کدام را، با پسوند **ایران** یاد می کنند: قوه قضاییه ایران، مجلس شورای اسلامی ایران، قوه مجریه ایران، ملت ایران و ...

بنابر آنچه گذشت، شکست و سرافکندگی هر بخش از واحد بزرگی که با پسوند ایران نامیده می شود، نصیب مالک اصلی آن واحد یعنی **ملت ایران** می شود و جهانیان، در مقام سرزنش و ملامت به خاطر هر حرکت ناشایستی که از گردانندگان کشور دیده شود، **ملت ایران** را مخاطب قرار می دهند و هر ناپرهیزی و

رییس مجلس و **نامه کتبی** نمایندگان مجلس که **تقاضای مساعت در حل مشکل** کرده اند، از پیشگاه رهبری درخواست عفو نماینده زندانی را کرده است و جان کلام همین جا است!

ما نمی دانیم که رییس مجلس، در تقاضای **شفاهی** و نمایندگان در **نامه کتبی** خودشان با چه **لحن** و **کلماتی**، از رییس قوه قضاییه درخواست **مساعت در حل مشکل** کرده اند ولی این را از متن **نامه رییس قوه قضاییه** در می یابیم که آنها، به هر **روی**، درخواست **عفو** نکرده اند (که البته حق چنین درخواستی را هم نداشته اند) و چون شخص نماینده زندانی هم، در جاهایی دیگر گفته است که خودش را **گناهکار** و **دادگاه را قانونی** نمی داند و لذا درخواست عفو نکرده است و نمی کند، از سوی دیگر، با توجه به اینکه از طرف زندانی یا خانواده او، درخواست عفو نشده بوده است و شرط موافقت کمیسیون با عفو، در درجه اول، وصول تقاضای عفو از جانب زندانی است، پس دخالت کمیسیون عفو و بخشودگی نیز منتفی است. بنابراین نتیجه می گیریم که به کارگرفتن **اژه عفو** برای نماینده همدان، ابتکار شخصی رییس قوه قضاییه بوده است و این، یعنی جانسپین شدن اراده رییس قوه قضاییه به جای ارائه و خواست نماینده همدان.

از دیدگاه حقوقی و قضایی، اقدام رییس قوه قضاییه که مستقیماً و بدون طی تشریفات قانونی و داشتن مجوزی از نماینده همدان، برای نامبرده درخواست عفو کرده است، به این دلایل **نافذ** و **معتبر** نبوده است:

۱. تشریفات قانونی درخواست عفو انجام نگرفته و موضوع، برابر ضوابط مقرر، در کمیسیون عفو و بخشودگی مطرح نشده و نظریه آن کمیسیون پشتوانه تقاضای عفو نبوده است.
۲. از طرف محکوم زندانی یا خانواده او، تقاضای عفو نشده بوده است و رییس قوه قضاییه هم، از جانب ایشان **مأذون** نبوده است.
۳. موعد درخواست عفو، از مواعد مقرر ماده ۸ آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی نبوده حتی به مفاد تبصره ماده ۸ آیین نامه نیز (که قبلاً شرح آن گذشت) رفتار نشده است.

با این چگونگی و چنانکه دریافته می شود، گردانندگان قوه قضاییه با برداشتن یک گام، چند اشتباه کرده و به جای آنکه در جهت کسب اعتبار و منزلت آن قوه، تلاش کنند، برعکس، سنگی دیگر به بال دستگاه قضاییه زده و شأن و حیثیت آن را، از آنچه که داشت، فروتر برده اند!